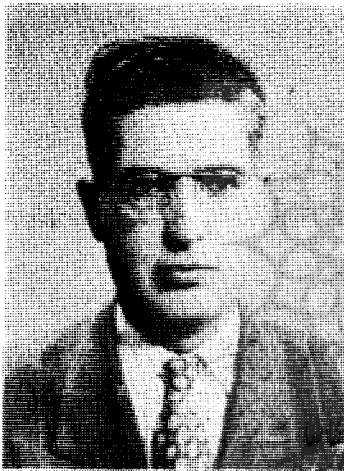


یادداشت‌هایی در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی

ربع قرن اخیر

الغاء انحصارها

-۴-



حسین دها

در آن زمان حقیقهٔ ایران در آتش تب می سوخت سربازان سه کشور اجنبی در ایران دیده می شد یاغیان و طراران که در زمان اعلیحضرت فقید در سوراخها خزیده یاکنج مجلس افتاده بودند باکمک و ایادی اجنبی بر خر مراد سوار و اسب تازی میکردند .

پاره ای از نمایندگان مجلس که بزور دولت از صندوقهای انتخابات بیرون آمده بودند از مصونیت سیاسی سوء استفاده کرده

ادارات دولتی را میدان تاخت و تاز خود قرا می دادند از هر گوشه و کنار بنام روزنامه نویس کلاشان به میدان آمده سرو صداهای می انداختند و برای خود حق و حقوقی مطالبه می کردند .

تنها وجود فروغی بود که مثل آفتاب تابان تلؤلؤ داشت و درخشندگی او چشمها را خیره می کرد این مرد دانشمند و درستکار که عمری را به شرافت و تقوی گذرانده بود مثل سد سکندر ایستاده و از حقوق ملت دفاع می کرد .

در شور دوم پیمان اتحاد با متفقین در مجلس در روزیکشنبه پنجم بهمن هنگامی که فروغی صحبت می کرد از جایگاه همگانی مردی بنام محمدعلی روشن بیرون جست و با

شتابزدگی دیوانه‌وار از پله‌های جایگاه هیئت رئیسه بالا رفته پشت سر فروغی قرار گرفت و سنجی که در جیب داشت بسمت معظم‌له پرتاب کرد سنگ به مرحوم فروغی اصابت کرد و سپس از بالای کرسی خطاب به پشت تریبون جست و با آن مرحوم گلاویز شد این ماجرا چند ثانیه طول کشید تا وکلای مجلس که سمت جلو بودند دویدند و فروغی را از دست این شخص خلاص کردند انتظام مجلس بهم خورد چند دقیقه مجلس تعطیل شد تا دوباره زنگ زده شد و فروغی پشت تریبون قرار گرفت و چنین گفت : جمله متعرضه کلام مرا قطع کرد جای



محمد علی فروغی (ذکاء الملك)

تأسف است لکن جای تعجب نیست چون مطلب خیلی بزرگ است شبهاتی الفاء می‌شود اشخاص که درست مسبوق نیستند به اشتباه می‌افتند و روی اشتباهی که به آنها دست می‌دهد عقایدی اتخاذ می‌کنند ولی اینها نباید باعث شود که عقلا حقیقت را در نظر نگیرید و مطابق مصلحت کشور رفتار نکنند .

این جمله نیز ازاو مانده که در مقابل پرسش یکی از نمایندگان در خصوص وضع

قشون متفقین جمله معروف را بیان کرده است : می آیند و می روند و حوائجی دارند .
 بهر حال در اثر پافشاری و استقامت و شخصیت آن بزرگوار پیمان اتحاد با متفقین
 در آن تاریخ به تصویب مجلس رسید و ما را در ردیف دول فاتح قرارداد حال اگر نتوانستیم
 بعدها از ثمره این اقدام صحیح بهره مند شویم تصور می کنم او گناهی نداشت تقصیر رجال
 کوتاه بین و مردان اقتصادی ما بود که بدون مطالعه یا بر اثر جهالت و غرض ورزی، کردند
 آنچه نباید بکنند و شد آنچه نباید بشود .

بهر حال آنچه مسلم است آقای دکتر مشرف در تعیین نرخ لیره شتابزدگی به خرج
 داد بهتر آن بود در مقابل متفقین قدری ایستادگی می کرد و با بصیرت و توجه بیشتری
 تصمیم به چنین عمل خطرناکی می گرفت بدیهی است با بودن قوای متفقین آزادی عمل نداشت
 و باید گفت فشار خارجی او را به این اقدام وادار کرد بهر حال ترقی لیره اشتباه اولیه
 رجال اقتصادی ما پس از شهریور ۲۰ به نظر می رسد .

لغو انحصارها نیز همانطور که خود آقای دکتر مشرف ضمن مصاحبه مطبوعاتی
 متذکر گردید اشتباه و با عجله صورت گرفت و این عجله و شتاب ثمره تسلخی به بار آورد



دکتر حسن مشرف نفیسی

یعنی هر گاه معتقد باشیم در زمان حکومت
 شاه سابق که با ثبات دولتها و آرامش اوضاع
 کشور حق این بود کار مردم بدست مردم
 سپرده می شد و ایجاد انحصارهای دولتی عمل
 صحیح و سالمی بشمار نمی رفت پس از شهریور
 ۲۰ که قدرت حکومت مرکزی صفر شد آن
 امنیت و ثبات سابق جای خود را به هرج و
 مرج و منافع شخصی و اغراض بخشید لغو
 انحصارهای دولتی کاری عبث بود چه زمام
 مردم به دست يك عده بازرگان سود جو و
 نفع پرست افتاد ارز از دولت به بهای دلاری
 ۳۵ ریال می خریدند و اجناس وارداتی را
 با استفاده های سرشار به مردم می فروختند. آقای
 دکتر مشرف ضمن بیانات خود اذعان نمود
 بهای قند و شکر آزاد پس از لغو انحصار دولتی

به میزان چهار برابر قند و شکر دولتی رسید - دولت با يك عمل ساده و بدون مطالعه
 خود اختیار چندین میلیون مردم بیچاره و بدبخت را به دست يك مشت بازرگان

شاید سپرد هر روز این افراد معدود صاحب ضیاع و عقار شدند بر پریشانی و بدبختی توده مردم افزوده گشت با مراتب مذکور در فوق لغو انحصارهای دولتی در آن موقع اشتباه دوم بود. اضافه کردن نرخ مالیاتهای غیرمستقیم و اعطاء اضافه حقوق به مستخدمین دولت باعث بالا رفتن عجب هزینه زندگانی گردید.

آقای امیر تیمور کلای در خصوص اقدامات وزیر دارائی و تغییر نرخ لیره و گرانى هزینه زندگانی دولت فروغی را استیضاح نمود سپس اعتراضات از طرف نمایندگان مجلس و مدیران جرائد نسبت به دکتر مشرف نفیسی سرانیز گشت.

در تاریخ ۸ اسفند ۱۳۲۰ کلیه وزیران استعفاى خود را به مرحوم فروغی تقدیم نمودند تا دست او را در انتخاب وزیران جدید باز گذارند.

در ۱۱ اسفند ۲۰ فروغی دولت جدید را به مجلس معرفی و به عوض آقای دکتر مشرف نفیسی یدالله عضدی معاون آن وزارت را به سمت وزیر دارائی و عبدالحسین هژیر را به سمت وزیر پیشه و هنر و بازرگانی به جای گلشائیان انتخاب نمود و گلشائیان را به وزارت دادگستری معین نمود. فروغی چون احساس کرد در پشت پرده نمایندگان با دیگری مشغول سازش می باشد و نخواهد توانست با این تشمت و اختلاف خدمت کند تصمیم به کناره گیری گرفت و با اینکه ۷۱ نفر از نمایندگان قطعنامه ای مبنی بر پشتیبانی از فروغی امضاء و به او دادند کتباً استعفا داد و در قبول مجدد زمامداری روی خوش نشان نداد و در ۶ اسفند ۲۰ اکثریت قریب باتفاق نمایندگان به آقای علی سهیلی ابراز تمایل کرد و بحران پایان یافت.

مرحوم فروغی به سمت وزارت دربار انتخاب و کابینه سهیلی به مجلس معرفی شد در این کابینه محمود بدر وزیر دارائی و عبدالحسین هژیر وزیر پیشه و هنر و بازرگانی بود رأی اعتماد به سهیلی بی سابقه و قریب باتفاق بود.

در تاریخ ۲۷ اسفند ۲۰ قانون منع احتکار به تصویب مجلس رسید در این قانون برای کسانی که کالاهای مورد احتیاج عامه را که زیاده از مصرف خود داشته باشند و برای جلوگیری از فروش به دولت یا مردم پنهان نمایند مجازات شدید معلوم شده بود.

اداره منع احتکار تحت نظر مستقیم نخست وزیر قرار گرفت. در ۲۸ اسفند ۲۰ لایحه بودجه ۱۳۲۱ به مجلس تقدیم شد در این لایحه ۳۰۱۳۴۰۳۲۲۰۹۴۰ ریال جمع درآمد (ادامه دارد) ۳۰۱۳۲۰۸۷۸۰۷۳۰ ریال جمع هزینه کشور نشان داده می شد.

از : مهندس جواد تبریزی

اسرار تاریخی کمیته مجازات



(۲)

کریم دواتگر ضارب
شیخ فضل الله نوری



رفع اشتباه

در شماره (۲۴) در قسمت مقاله (اسرار تاریخی کمیته مجازات) اشتباهاً صفحه ۵۶ به جای صفحه ۶۵ و صفحه ۶۶ پس از صفحه ۵۶ چاپ و صفحه بندی شده بود که بدینوسیله یادآوری میشود .

کریم دواتگر جوان رشید ۳۵ ساله بر اثر گلوله‌ای که به شیخ فضل الله نوری وارد آورد بین آزادیخواهان آن زمان وجهه و محبوبیت خاصی به دست آورد تاجائی که مؤسسين کمیته مجازات را به خود جلب و با کمک دستیارانش میرزا اسمعیل خان رئیس انبار غله تهران را به قتل رسانیدند و از این طریق سنگ اول بنای کمیته مجازات گذارده شد . عیب بزرگی که کریم دواتگر داشت این بود که زود تحت تأثیر احساسات خود قرار می گرفت و افکار شوم دیگران در وی مؤثر بود تا جائی که به هنگام مستی آنچه را که می دانست به هر کس و ناکس بازگو و بدینوسیله وسائل نابودی خود و همکاران خود را ندانسته فراهم می کرد .

سه ماه پس از قتل میرزا اسمعیل خان ، شهبی کریم دواتگر در معیت عمادالکتاب (خطاط معروف) به منزل علی اکبر ارداقی که در دوران مشروطیت با کریم دواتگر سوابقی داشت می رود و کریم پس از ذکر مقدمه ای می گوید :